



Research Paper

Preliminary study and analysis of pseudo-inscriptions of the Islamic period from the perspective of cross- cultural communication

Case study: Nishapur and Byzantine cultural zone

mahdiye rahmati*¹¹ Ph.D. Candidate, University of Mazandaran

10.22080/jiar.2022.23132.1025

Received:

Apr/1/2025

Revised:

Jun/05/2025

Accepted:

Jul /05/2025

Keywords:

pottery, inscription, art, Byzantine, nishapur

Abstract

Pseudo-inscription is a type of inscription that has no content meaning. This art can be seen on all cultural materials in Islamic art, especially in the first and middle centuries. Also, its field of distribution covers a wide range and even in the cultural field of Byzantium and Eastern Europe is considered a significant phenomenon. During the Samanid period, a considerable number of pseudo-inscriptions have been found in Nishapur pottery, which shows that this phenomenon was formed during the Samanid period in the Greater Khorasan area, which was of special importance in the Islamic period. Numerous examples have been found in the cultural field of Byzantium between the 11th and 15th centuries AD. Why this phenomenon is formed and how it is distributed is an important issue that has not been addressed. In the present study, an attempt has been made to deal with this phenomenon with the view of intercultural studies and in the approach of cultural interactions. The results show that there is a kind of homogeneity in the execution of pseudo-inscriptions, and perhaps in commercial relations between different regions, this phenomenon has been formed and has become a common element.

***Corresponding Author:** mahdiye rahmati**Address:** Ph.D. Candidate, University of Mazandaran**Email:** mahdiye.rahmati@gmail.com**Tel:** 09155504538



نوع مقاله: پژوهشی

بررسی و تحلیل اولیه شبه کتیبه های دوران اسلامی از منظر مطالعات بین فرهنگیمطالعه موردی نیشابور و حوزه فرهنگی بیزانس

مهدیه رحمتی*

^۱ دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران

10.22080/jiar.2022.23132.1025

چکیده

شبه کتیبه نوعی کتیبه نگاری است که فاقد معنای محتوایی است. این هنر روی کلیه مواد فرهنگی در هنر اسلامی و بویژه در سده های نخست و میانی آن دیده می شود. همچنین حوزه پراکنش آن محدوده وسیعی را در برگرفته و حتی در حوزه فرهنگی بیزانس و اروپای شرقی پدیده ای شاخص دانسته می شود. در دوره سامانی در سفالینه های نیشابور تعداد قابل توجهی شبه کتیبه بدست آمده که نشان می دهد این پدیده در دوره سامانیان در حوزه خراسان بزرگ که اهمیت ویژه ای در دوران اسلامی داشته است شکل گرفته است. در حوزه فرهنگی بیزانس نیز در فاصله قرون ۱۱ تا ۱۵ میلادی نیز نمونه های متعددی بدست آمده است. چرایی شکل گیری و نحوه پراکنش این پدیده موضوع مهمی است که بدان پرداخته نشده است. در پژوهش حاضر سعی شده تا با نگاه مطالعات بین فرهنگی و در رویکرد برهم کنش های فرهنگی به این پدیده پرداخته شود. نتایج نشان می دهد که نوعی همگونی در اجرای شبه کتیبه ها وجود دارد و شاید در روابط تجاری بین مناطق مختلف این پدیده شکل گرفته و تبدیل به یک عنصر مشترک شده است.

دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۵

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۳/۱۵

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۴

کلیدواژه ها:

شبه کتیبه، کتیبه نگاری، نیشابور، هنر بیزانس

* نویسنده مسئول: مهدیه رحمتی

آدرس: دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران

ایمیل: mahdiye.rahmati@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۵۵۵۰۴۵۳۸



۱ مقدمه:

باستان شناسی دوران اسلامی از مهمترین دوره های فرهنگی محسوب شده و نقش مهمی در شناخت و تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اجتماعات انسانی دارد (تقوی، ۱۳۹۳). در این دوره بسیاری از هنر ها شکوفا می شود و شهرهای مهم دوران اسلامی نیز شکل می گیرند. از مهمترین هنرهای این دوران هنر کتیبه نگاری است که در بسیاری از آثار هنری و بویژه معماری به عنوان یکی از عناصر اصلی و مفهومی حائز اهمیت است. این هنر که به نوعی بازتاب شریعت و عقاید فکری است از شروع دوران اسلامی تا سده های متاخر سیر تحولی خاصی دارد و در شروع این دوران آنچنان مهم می شود که در گاهنگاری نیز به کار می آید. در واقع یکی از راههای شناخت آثار اسلامی از دوران پیشین کتیبه نگاری است (Blair, 1998). هنر مند دوران اسلامی از قرن دوم هجری قمری با استفاده از کتیبه نگاری تقدس مذهبی خط کوفی را با در هم آمیختن هنر به اوج کمال می رساند (توحیدی، ۱۳۹۰: ۲۵۷) و در دوره های بعد این هنر از ارکان اصلی هنر اسلامی می شود. میان انبوه کتیبه های دوران اسلامی که در آثار شان زا و معماری تجلی یافته، نمونه های بسیاری بدست آمده که فاقد معنا بوده و به عبارتی نا خوانا هستند. از این رو به بسیاری از آنها لفظ شبه کتیبه داده اند، چرا که در ظاهر کلیه مشخصات کتیبه را دارا بوده در حالی که تنها تقلیدی شکلی از آنها محسوب می شوند. اهمیت این موضوع در چرایی و چگونگی شکل گیری و پراکنش آن در سرزمین های اسلامی است. دانستن این موضوع که این نوع کتیبه نگاری چه مفهومی در پی خود دارد موضوع مهمی است که برای درک آن نیاز به پژوهش های تخصصی به شدت احساس می شود.

پس از دو قرن ابتدایی ورود اسلام به ایران از قرن سوم هجری قمری هنر اسلامی به معنای واقعی خود شکل می گیرد و در بسیاری از شهرهای دوران اسلامی گزارش شده است. در شهرهای شرقی ایران بویژه شهرهای خراسان بزرگ این اتفاق نمود بیشتری داشته است. دلیل این امر وجود وزیران ایرانی و دانشمندی همچون جیحانی و بلعمی، و روی کار آمدن سلسله های مستقل ایرانی چون طاهریان و سامانیان است (شراتو، ۱۳۸۴: ۵۰). از خراسان بزرگ مورد بحث امروزه تنها ربع نیشابور در ایران امروزی باقی مانده که شامل استان های خراسان رضوی و شمالی فعلی بوده است. در این تحولات شهر نیشابور اهمیت ویژه ای دارد شهری که در سده های نخست تا هجوم مغولان از چهار شهر بزرگ خراسان بوده به همراه بلخ، مرو و هرات بوده است (Bosworth 2010). این شهر محدوده جغرافیایی وسیعی را در خراسان تحت سیطره خود داشته که در متون جغرافیایی و تاریخی دوران اسلامی به کرات به آنها اشاره شده است (الحاکم، ۱۳۷۵: 328 Bosworth 1996؛ اعتضادی ۱۳۷۴، ۶۵۳؛ Bulliet, 1976: 88؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۸۹). دیگر نویسندگان هم عصر مانند همانند ابن رسته (۱۳۸۰: ۲۰۰)، مقدسی (۱۳۸۹: ۴۵۹-۴۶۲) و اصطخری (۱۳۷۳: ۲۶۹-۲۷۳) نیز از وسعت و اهمیت نیشابور سخن رانده اند که در اوج گسترش خود چهل و دو محله نیز داشته است (مقدسی ۱۳۸۹: ۴۶۰). در هنر کتیبه نگاری این شهر که بر روی سفالهای گلابه ای یا سفال معروف سامانی نیشابور تجلی یافته میتوان نقطه شروع مطالعات مرتبط با شبه کتیبه ها را ترسیم نمود. میان انبوه کتیبه ها وجود شبه کتیبه ها با در نظر گرفتن اهمیت معنایی و موضوعی آن قابل تامل است که هدف اصلی این پژوهش بر درک و تحلیل آنها استوار گشته است. نکته مهم دیگر پراکنش این نوع از هنر در مسیحیت است که تحلیل مقدماتی آن نیز از مورد توجه قرار گرفته است.



شکل ۱ موقعیت نیشابور در شرق ایران در کنار مراکز مهم شهری

۱/۱ سولات و فرضیات:

چرایی و چگونگی شکل گیری شبه کتیبه ها دوران اسلامی در سده های نخست اسلامی مهمترین سوال این پژوهش است که احتمالا بتوان شکل گیری مفاهیم فرهنگی جدید را با احیای هنر و فرهنگ و شکوفایی آن در دوره سامانی تحلیل کرد. در این دوره حوزه خراسان تجلی گاه هنر اسلامی محسوب شده و شبه کتیبه ها در این بستر فرهنگی متولد شده اند. علاوه بر آن دانستن علت بکارگیری شبه کتیبه ها در هنر بیزانس و رم نیز حائز اهمیت است و فرض بر این است که در هنر مسیحیت وجود شبه کتیبه ها با مباحث اعتقادی، تجارت، هدایا و غارت از سرزمین های اسلامی مرتبط هستند. همچنین می توان پرسید که همگونی شبه کتیبه ها در هنر اسلامی با چه رویکردی قابل بررسی است؟ در جواب این سوال احتمالا این همگونی با برهم کنش های فرهنگی و رویکردهای مرتبط با آن قابل تفسیر می شود.

۱/۲ پیشینه پژوهش:

موضوع شبه کتیبه در باستانشناسی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما در حوزه فرهنگی بیزانس مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته اند. در باستان شناسی اسلامی با تمرکز بر حوزه شرقی ایران شاید برای اولین بار در توصیف کتیبه های ناخوانا به این موضوع اشاره شده است (Wilkinson, 1973). در شهر نیشابور و در سفالهای معروف آن با پوشش گلی که دارای کتیبه اند، نمونه های فراوانی کتیبه بدست آمده که با نام شبه کتیبه توصیف شده اند. از دیگر پژوهش ها می توان پژوهشی توصیفی اشاره کرد که در آن شبه کتیبه ها معرفی و به صورت مقدماتی تحلیل شده اند که البته این پژوهش با نگاهی مقدماتی و در چهارچوب پروژه درسی کارشناسی ارشد انجام شده است (باصفا، ۱۳۸۵). لازم بذکر است آن صرفا طرح مقدماتی دیدگاههای مرتبط با موضوع بوده است. علاوه بر این در کاوشهای شهر بلقیس اسفراین نیز به این کتیبه ها اشاره شده است که صرفا اشاره ای گذرا و فاقد تحلیل است (زارعی و همکاران ۱۳۹۵).



بخش از دو فرهنگ یا دو فرهنگ به طور کلی و مطالعه درباره آن است. مطالعات بین فرهنگی نوعی تطبیق و مقایسه در زمینه های مختلف فرهنگی با تاکید بر ارتباطات میان فرهنگی است. این رویکرد در باستانشناسی می تواند یک زمینه مطالعاتی برای درک تحولات فرهنگی و همگونیهای آن و تفسیر مواد فرهنگی در این چهارچوب باشد (رضی، ۱۳۷۷). در این رویکرد مکانیزمهای مختلفی از تعامل و ارتباط بین حوزه های فرهنگی متفاوت وجود دارد. گفتمان رایج این موضوع در باستانشناسی می تواند شناخت معنایی مواد فرهنگی نه توصیف صرف آنها باشد. این رویکرد نیاز به تعریف و متناسب سازی با دوره های مختلف فرهنگی در باستان شناسی ایران دارد.

۲ شبه کتیبه های حوزه خراسان:

قبل از هرگونه بحث باید به این نکته اشاره شود که شبه کتیبه ها تنها مختص ظروف سفالی نیست و روی سایر کالاهای شان زا و در کتیبه نگاری در بناها دیده می شود. بر اساس داده های باستان شناختی اولین نمونه های شبه کتیبه و پیدایش آن به سده های نخست اسلامی بر می گردد و بر اساس نمونه هاس بدست آمده روی سفالهای سامانی نیشابور به نظر می رسد شروع آن در سده سوم هجری قمری باشد (تساویر ۲ و ۳). در این زمان خراسان بزرگ متأثر از سلسله ایرانی سامانی می شود و تأثیرات آنها سبب نوزایی جدیدی در فرهنگ و هنر می شود. با شروع سده سوم به عنوان یکی از مهمترین دوره های فرهنگی رستاخیز فرهنگی همه جانبه رخ می دهد. فرآیند تولید سفال از جهت تکنیک و تزئین نیز از این امر مستثنی نبوده و وارد مرحله جدیدی شده است. در این دوره سیر تکامل اندیشه های ذهنی افراد را از روی تزئینات و نوشته های کوفی رو سفال می توان دید (توحیدی ۱۳۹۰، ۲۶). از نظر فرم شناختی عمدتاً ظروف شان را اغلب

در حوزه فرهنگی بیزانس نیز پژوهش هایی صورت گرفته که مهم ترین آنها در باب شبه کتیبه های کوفی بناها و آثار هنری حوزه فرهنگی اروپای شرقی است. نتایج آن در کتاب فصل پنجم کتیبه های قرون وسطایی در جهان با عنوان شبه کتیبه های بنای مذهبی هوسیوس لوکاس به چاپ رسیده است (Walker, 2015). در پژوهش دیگری به تزئینات شبه کوفی و مسئله ارتباطات بین فرهنگی میان بیزانس و اسلام پرداخته شده و نویسنده سعی نموده چرایی این موضوع را بر اساس نوشته های مورخین از مسلمانان بویژه خلفای عباسی تحلیل کند (Pedone and Cantone, 2013). به نظر می رسد جامع ترین مطالعه صورت گرفته در باب بررسی صفات مشترک شبه کتیبه ها با استفاده از رویکرد های آماری مبتنی بر منابع تاریخی کتاب کتیبه های عربی و شبه کتیبه ها در هنر ایتالیا باشد که در آن چرایی شبه کتیبه ها تحلیل شده است (Napolitano, 2019). در همین زمینه آخرین پژوهش سخرنانی مارتین ایتالیایی است که به تحلیل شبه کتیبه های یک اثر موزه ای پرداخته است (Martin, 2020).

۱،۳ روش پژوهش:

در باستان شناسی یکی از راههای شناخت مقایسه تطبیقی است اما برای دانستن چرایی آن رویکردهای مختلفی وجود دارد که در باستان شناسی دوران اسلامی کمتر به چشم می خورد. روش بین فرهنگی (cross-cultural communication) که از رویکردهای جدید در دهه های اخیر در علوم انسانی محسوب می شود به نوعی بر پایه قوم نگاری بنا نهاده شده است. به طور کلی مطالعات بین فرهنگی بر پایه تحلیل مقایسه ای و مطالعه نسبیّت آثار تمرکز دارد. بنیان این روش در انسان شناسی اجتماعی و فرهنگی است. این مفهوم، در برگیرنده نوعی دیدگاه کلی نسبت به فرهنگ دیگر، بحث از ذهنیت کلی به فرهنگ های دیگر یا مقایسه موضوع یا بخشی از دو فرهنگ با یکدیگر است. در حقیقت، ارتباطات میان دو موضوع (با محتوای واحد) یا دو

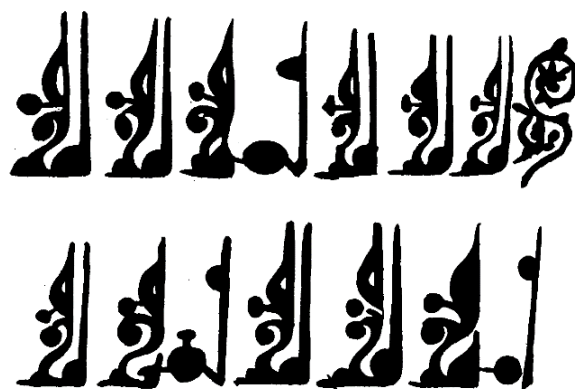
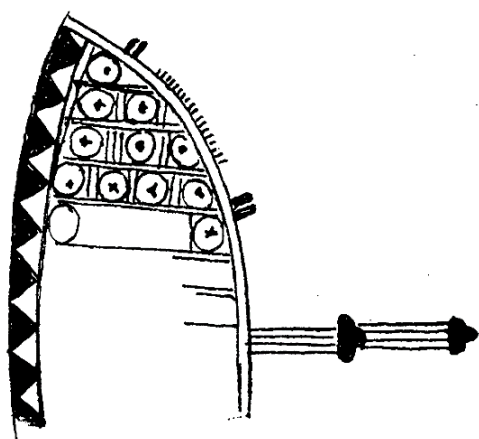


وسیعی گزارش شده اند (باصفا و رحمتی، ۱۳۹۴). این سفال برای اولین بار توسط ویلکینسون (Wilkinson, 1961, 1973) معرفی شد و پس از آن در کلیه منابع مرتبط با سفال اسلامی گزارش شده است (Waston, 2004; Fehrevvari, 2000).

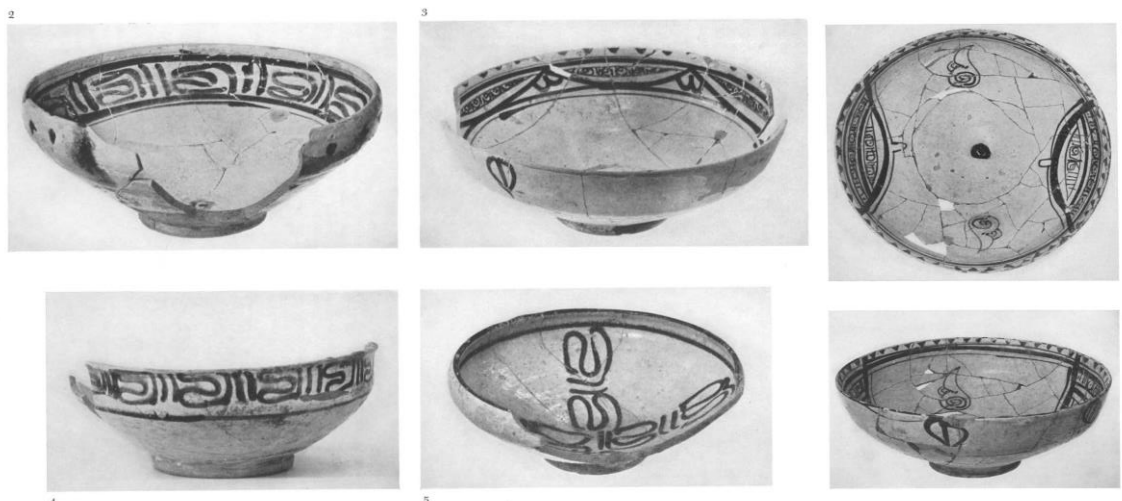
با بررسی اوضاع اقتصادی سامانیان مشاهده می شود که نوعی تجدید حیات اقتصادی و تجاری ایجاد شده که ماحصل نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی این دوره است و سبب تجارت با مناطق دور دست از چین تا اروپای شرقی شده است (زمانی محبوب و رودگر، ۱۳۹۴). نیشابور نیز در این چرخه اقتصادی در مسیر جاده مهم شرق به غرب قرار داشته و ارتباطات درون و فرامنطقه ای با نقاط دور دست نیز داشته است. این ارتباط حداقل با حوزه دور دست چین به خوبی در نیشابور مستند شده است و نمونه های سفال چینی در کمیت زیاد در کاوش های نیشابور بدست آمده اند (Wilkinson, 1973). این موضوع از آن جهت مهم است که شاید بتواند در تحلیل شبه کتیبه ها در مناطق دور دست غربی به کار آید. هر چند که فاصله این دو منطقه بسیار زیاد است اما ممکن است با مطالعات فراگیر روی مواد فرهنگی بتوان به ریشه این موضوع و انتشار این آیتم فرهنگی به دیگر مناطق اشاره کرد.

شامل انواع کاسه ها، قدح و بشقاب می شود و برای تزئین آنها از کتیبه نویسی با خط کوفی استفاده شده است. کتیبه های این سفالینه ها به طور کلی به دو گروه خوانا و شبه کتیبه ها تقسیم میشوند که کتیبه های خوانا دارای مضامین حکیمانه عربی است یا احادیث منسوب به پیامبران و امامان و یا کلمات بزرگان اهل ادب (ویلکینسون ۱۳۷۹). این کتیبه ها بسیار شاخص اند و نمونه های مهم آن که در نیشابور بدست آمده اند، توسط عبدالله قوچانی گردآوری شده است (قوچانی ۱۳۶۵).

اما کتیبه های ناخوانا که شبه کتیبه نامیده می شوند، در نهشته های دوره سامانی بدست آمده اند. آنها از کاوش های انجام شده توسط موزه متروپولیتن از تپه های مدرسه، سبزپوشان و قنات تپه بدست آمده اند که در قالب کتاب معروف سفال نیشابور طبقه بندی و تحلیل اولیه شده اند (Wilkinson, 1973). کلیه شبه کتیبه هایی که تا کنون در نیشابور گزارش شده است، کتیبه هایی هستند که روی سفال ایجاد شده اند و شباهت فراوانی به ظروف معروف کتیبه دار نیشابور دارند و در نگاه اول تفاوتی بین آنها دیده نمی شود. لازم بذکر است که سفالهای کتیبه دار نیشابور یا به طور کلی سفال سامانی نیشابور بسیار معروف و شناخته شده است (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱) و در پهنه



شکل ۲ نمونه بدست آمده از تپه آلب ارسلان، محل نگهداری موزه متروپولیتن؛ ظرف دهان باز با کتیبه در بخش بیرونی آن که در نگاه نخست نوعی کتیبه کوفی مشجر را تداعی می کند (Wilkinson, 1973)



شکل ۳ نمونه بدست آمده از تپه مدرسه با نوع کتیبه نگاری موسوم به شبه کتیبه، محل نگهداری موزه مترو پولیتن (Wilkinson, 1973)

با نمونه های نیشابور مقایسه شده اند (نیک گفتار و وحدتی، ۱۳۹۶). در میان آنها تعدادی با لعاب شیرینی رنگ با نقوش قهوه ای سوخته مشاهده شده که یکی از آنها دارای شبه کتیبه است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵، ۷۰).

علاوه بر نیشابور در حوزه خراسان از کاوش های شهر بلقیس نمونه های متعددی شبه کتیبه بدست آمده است (تصویر ۴). بر اساس گزارش کاوشگران، این نمونه ها از درون چاهی بدست آمده اند که شامل سفالینه های نخودی ساده و بدون لعاب با نقش کنده موج و نواری اند و در رویکردی تطبیقی



شکل ۴ شبه کتیبه بدست آمده از شهر بلقیس (زارعی و همکاران ۱۳۹۵، ۷۰)

است که مس تواند به دوره سامانی تاریخ گذاری شود و دو نمونه دیگر فلزی و از جنس مفرغ هستند و احتمالاً در دوره سلجوقی تاریخ گذاری می شوند.

در موزه خراسان بزرگ نیز سه نمونه شبه کتیبه مشاهده می شود که بافت باستان شناسی آنها نامشخص است (تصویر ۵). نمونه اول ظرفی سفالی



شکل ۵ اشیا موزه خراسان بزرگ با شبه کتیبه

نظر می رسد کارکرد اشرافی گری و مذهبی داشته است. بر اساس مطالعات صورت گرفته مهمترین نمونه ها در هنر نقاشی و هنر معماری بدست آمده است و در سیر تکوین آن تطور حروف و همگونی با نمونه های دوره سامانی نیز مشاهده می شود (Napolitano, 2014).

در معماری قرون وسطی در بسیاری از بناها به صورت کتیبه های متعدد می توان شبه کتیبه ها را رصد کرد. نخستین نمونه های معماری در کلیسای کنستانتین در قسطنطنیه آن زمان است که تاریخ آن به قرن ۱۰ میلادی بر می گردد (Gerstel & Lauffenburger, 2001: 31). در مبحث معماری کلیسای هوسیوس لوکاس نمونه بسیار مهمی است.

³ Kufesque

۳ شبه کتیبه های حوزه

فرهنگی بیزانس (یونان و روم):

در مطالعه تاریخ هنر در اروپای شرقی و منطقه ای که با نام بیزانس و روم شناخته می شود نمونه های متعددی کتیبه ناخوانا و نمادین بدست آمده که تحت عناوین شبه عربی^۱، شبه کوفی^۲ و کوفسکو^۳ معرفی شده اند. این دوره که قرون وسطی نام دارد متعلق به سده های میانی تاریخ اروپا است و از سده های ۱۱ تا ۱۵ میلادی را شامل می شود (Barasch, 1989). بیشترین شبه کتیبه های قرون وسطایی متعلق به اواخر آن است که در آثار مختلفی نمود یافته است. مهمترین تجلی آن در معماری، کالاهای شان زار، منسوجات و نقاشی های مذهبی است و به

¹ Pseudo-Arabic² Pseudo-Kufic

شده است. در این بنا در کتیبه های بیرونی و نقاشی های شخصیت های مذهبی نمونه های متعددی شبه کتیبه (تصویر ۶) بدست آمده است (Walker, 2015).



هوسیوس یک نیایشگاه تاریخی است که در نزدیکی شهر دیستومو، یونان قرار دارد و یکی از بناهای مهم معماری و هنر بیزانس است. این بنا در اوایل قرن ۱۰ میلادی توسط روحانی به همین نام ساخته



شکل ۶ نمایی از شبه کتیبه های کلیسای هوسیوس لوکاس (Walker, 2015)

نوارهای روی ردای شخصیت های مهم مذهبی است که کاملاً نشان از تاثیرپذیری از هنر اسلامی دارد (تصاویر ۷ و ۸). در دوران خلفا در جامعه اسلامی افراد بالادست ردایی با حاشیه های کتیبه دوزی داشتند و مسیحیان از این ترکیب برای ایجاد جایگاه اجتماعی شخصیت های مهم مسیحی در ذهن مخاطب بهره برده اند. علاوه بر این در کنار شخصیت ها کالاهای شان را فلزی، منسوجات و ... دیده می شود که دارای کتیبه بوده و نشان از واردات کالاهای لوکس اسلامی توسط بازرگانان ایتالیایی و بویژه ونیزی ها بوده است (Pedone and Cantone, 2013).

تعداد قابل توجهی شبه کتیبه در نقاشی و منسوجات نیز بدست آمده است و به طور شگفت انگیزی شبه کتیبه در فرانسه، اسپانیا و ایتالیا و در درب های چوبی، کتاب، فلزکاری و هنر منبت کاری دیده می شود (Vernon, 2018). این نمونه ها در هنر ایتالیا نیز به وفور دیده می شوند. از قرن ۱۴ میلادی به بعد بیشترین کاربرد شبه کتیبه در هنر نقاشی دیده می شود. در این راستا هنرمندان سعی کرده اند تا ضمن نوآوری خط کوفی را به زیباترین شکل ممکن طراحی کنند و درک صحیحی از محتوای آن نداشته اند. همچنین شبه کتیبه ها در هنر نقاشی و در تصاویر مذهبی به وفور دیده می شود. معمولاً آنها به صورت نواری درون هاله دور سر و

Unknown Venetian, *Virgin and Child*,
Hermitage Museum, St. Petersburg



fig.308

Gregorio Cecco di Luca, *The Marriage of the Virgin*,
National Gallery, London



fig.309

Textile fragment,
Ashmolean Museum, Oxford



fig.310

Domenico Ghirlandaio, *Resurrection of the Boy*,
Basilica di Santa Trinità, Florence



fig.311

Western Anatolian Carpet, from *Oriental Carpet Design* fig. 390



fig.312

شکل ۷ نمونه های شبه کتیبه روی منسوجات بیزانسی (Pedone and Cantone, 2013)



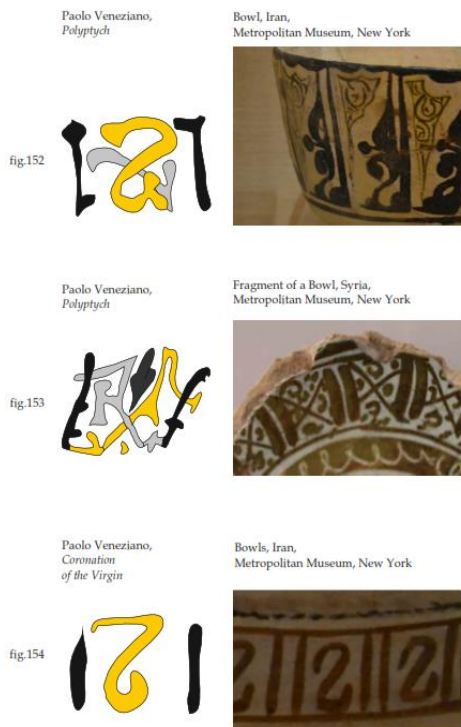
شکل ۸ نمونه های شبه کتیبه در ترسیم شخصیت های مذهبی (شبه کتیبه به صورت نواری در هاله دور سر و کتیبه حاشیه لباس قابل مشاهده است) (Pedone and Cantone, 2013)

۴ بحث و تحلیل:

دردوران اسلامی و با گذشت دو قرن از آغاز آن در ایران تحولاتی اساسی در تکنیک های تزئینی سفال ها پدید آمد که با شکل گیری حکومت سامانیان همزمان است. به نظر می رسد نوآوری های این دوره (حبیب زمانی و دروگر، ۱۳۹۴) و تحول هنرها زمینه ساز شبه کتیبه ها بوده است. در این دوره علاوه بر شکوفایی هنری ارتباطات تجاری و فرهنگی نیز با مناطق همجوار و دور دست رونق می گیرد و می تواند زمینه ساز انتقال مفاهیم و پدیده های فرهنگی شده باشد. به عنوان مثال یکی از دلایل این دگرگونی ها در سفال نیشابور سفال های وارداتی چین بوده است. خراسان با قرار داشتن در مسیر راه ابریشم، از مهم ترین و پر رونق ترین مناطق در تجارت و هنر بوده و ورود سفال های چینی از این طریق به خراسان باعث تعامل هنری و

کتیبه نگاری اسلامی هنری است که در سده دوم هجری قمری آغاز و تا سده پنجم ادامه یافته و این سنت این سنت با خط کوفی آغاز می شود. این عنصر که نمادی از اسلام و هنر اسلامی است با ورود به هر سرزمینی تحت تاثیر فرهنگ و تمدن آن قرار گرفته و تغییراتی را پذیرفته است. خط کوفی به بیش از ۳۰ شیوه نگارشی دیده می شود و در ابتدا نیز بدون هیچ نشانه (زیر و زبر و نقطه و ...) شرایط برای خواندن کلماتش بسیار مشکل بود. همینطور در میان انبوهی از تزئینات به سختی خوانده می شد. لازم بذکر است با فراگیر شدن خط نسخ گوی سبقت از خط کوفی ربوده می شود.

است که باید مورد توجه قرار گیرد بویژه در تغییرحروف و کلمات طی فرآیند های تولید. تزئینی شدن کتیبه ها و فاصله گرفتن از مفهوم لغوی آن (کیانی، ۱۳۵۷: ۱۵)، رمز آلود شدن و پیچیدگی عامدانه و اجتناب از کشف آسان (هیلن براند ۱۳۸۵: ۵۶) و نمادین بودن کتیبه ها در جوامع اسلامی چرا که زبان و فرهنگ خاص خود را داشته اند (Blair and Bloom 2004: 70) می توانند دلایل توجیه کننده شکل گیری شبه کتیبه ها باشد.



فرهنگی میان ایران و چین شده است. همچنین نیشابور حلقه اتصال چین به عراق و اروپای شرقی نیز بوده و می توانسته خود منشا انتشار پدیده های فرهنگی باشد. مقایسه تطبیقی سفالهای نیز نشان می دهد که این استدلال دور از ذهن نیست ولی نیاز به مطالعات فراگیر همچنان وجود دارد (تصویر ۹). دلیل دیگر این پدیده ها احیای سنت های فرهنگی و کم اهمیت شدن معنایی خط کوفی است و در شبه کتیبه ها تطور خط کوفی مسئله مهمی



شکل ۹ نمونه های بدست آمده از سفالهای ایران در موزه متروپولیتن و موزه لووردر رویکردی مقایسه ای قابل مقایسه با نمونه های بیزانسی (Pedone and Cantone, 2013)

همین رو هنرمندان به دنبال اشکال جدید از خط کوفی بوده اند. این نمونه ها که روی سفال و نقاشی گزارش شده به سرعت به هنر مسیحی راه پیدا می کنند.

مبحث مهم در این بین چرایی علاقه هنرمندان اروپایی به زبان عربی است. به نظر می رسد آنها به اشتباه زبان عربی را زبان اولیه مسیحیت می دانستند و در قرون وسطی تصور می کردند که

اما در حوزه بیزانس که استفاده از خط کوفی از قرن نهم میلادی شروع می شود، به مرور زمان خط کوفی معنای محتوایی خود را از دست داده و سپس به نمونه های تزئینی صرف تبدیل می شود (Ettinghausen, 1976). به نظر می رسد خط کوفی را صرفا به عنوان یک نماد به کار بسته اند و با محتوا و مضمون آن آشنا نبوده اند. همچنین به نظر می رسد حساسیتی نیز روی معانی کلمات نداشته و از



بالتیک و اسکاندیناوی، فراوانی مبادله‌های کالا را میان امیران سامانی یا اقوام ماوراءالنهر و بخش‌های غربی خزر و دریای بالتیک نشان می‌دهد.

بر اساس آنچه مطرح شد آیا میتوان فرض کرد که شبه کتیبه‌ها به عنوان یک مولفه فرهنگی دوره سامانی شکل گرفته و سپس در برهم کنش‌های فرهنگی به دیگر مناطق بویژه بیزانس راه پیدا کرده است؟ بی شک پاسخ به این سوال مطالعات بیشتر و پژوهش‌های میان رشته‌ای نیز می‌طلبد.

۵ نتیجه‌گیری:

در شکل‌گیری مفهوم شبه کتیبه تحولات دوره سامانیان و شکوفایی هنرها نقش مهمی داشته و هنرمند آزادانه از خلاقیت خود بهره برده است. در این دوره در نیشابور و احتمالاً سایر شهرهای خراسان شبه کتیبه ایجاد شده و به نظر می‌رسد به دیگر مناطق راه یافته است. در جهان اسلامی و در بررسی مفاهیم اسلامی در هنر بیزانس ارتباطات بین فرهنگی نقش بسیار مهمی داشته و سبب شکل‌گیری مفاهیم جدید فرهنگی شده است. مهمترین عوامل تسهیل‌کننده ارتباط بین فرهنگی میان اسلام و بیزانس تجارت، دیپلماسی برقراری ارتباطات دوستانه و عقاید مذهبی بوده است. در این راستا برقراری ارتباط دوستانه با دربار خلفای عباسی، تجارت در مسیر جاده ابریشم و سایر راههای تجارتی و نیز اعتقادات مذهبی سبب اسلامیزه شدن هنر بیزانس و شکل‌گیری مفاهیم فرهنگی مشترک همچون شبه کتیبه‌ها شده است. به نظر میرسد نوع این ارتباط بین فرهنگی یکسویه و از اسلام به بیزانس بوده است. البته درک نهایی این موضوع پژوهش‌های جدی‌تری می‌طلبد.

مسیحیت و کتب مقدس از خاورمیانه آمده است. به عنوان مثال یکی از اعتقادات غلط آنها این بود که گنبد و کتیبه‌های اورشلیم متعلق به اعتقادات مسیحیان است در حالی که بسیاری از مفاهیم آن در زمان عبدالملک مروان ساخته شده است. علاوه بر آن با سقوط بیزانس بسیاری از منابع مکتوب از بین رفته و پس از آن مجبور به استفاده از ترجمه عربی کتب خود شدند.

واردات کالاهای شان‌زا نیز نقش مهمی در انتقال کتیبه‌ها و شبه کتیبه‌ها به حوزه فرهنگی بیزانس داشته است. منسوجات، ظروف فلزی، شیشه‌ای و سفالی همواره نقش مهمی در ایجاد هویت و تبیین‌کننده جایگاه اجتماعی افراد در بیزانس بوده است. به این ترتیب مفهوم کتیبه و شبه کتیبه وارد هنر بیزانس شده است. بر اساس اطلاعات موجود دور جدید ارتباطات جهان اسلام و اروپا از دوره خلفای عباسی شروع می‌شود و برای رسیدن به این هدف ایجاد و شکل‌گیری بنادر مهم تجاری در شهرهای بندری ایتالیا شروع شده و اهمیت فراوان می‌یابد. از قرن ۱۳ میلادی به بعد شهرهای این حوزه به شدت رشد کردند و این پیوندها زمینه‌ساز تجارت و انتقال دانش و مفاهیم فرهنگی شده است و در بازه زمانی محدودی سبب شکل‌گیری مفاهیم بین فرهنگی شده است. با گسترش این ارتباطات هنرهای بومی منطقه اسلامیزه شده و سبک‌های خاصی از هنر اسلامی پدیدار می‌شود. در همین باب لازم است اشاره شود که سامانیان مؤسسه‌هایی تجاری داشتند که از سویی تا قلب اروپا؛ یعنی دریای بالتیک، اسکاندیناوی، لهستان و مجارستان و از سوی دیگر تا درون چین گسترده بود. شواهد باستان‌شناختی نیز موید این مطلب است چرا که اندازه سکه‌های به‌دست آمده در روسیه، لهستان، منطقه



فهرست منابع:

- ابن رسته، ا. ۱۳۸۰: *علاق / النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الحاکم نیشابوری، ابوعبدالله، ۱۳۷۵: *تاریخ نیشابور*، ترجمه و تصحیح شفیعی کدکنی، تهران.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۳: *مسالك و ممالك*، ترجمه فارسی قرن پنجم / ششم هجری، تهران: بنیاد ایرج افشار.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، ۱۳۶۲: تهران: چاپ منوچهر ستوده.
- اعتضادی، ل. ۱۳۷۴: *نیشابور (ابرشهر)*، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد ۱، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- باصفا، ح. ۱۳۸۵: *شبه کتیبه های قرون اولیه اسلامی بر پایه یافته های سفالین نیشابور، باستان پژوهشی*، ۴-۱۲.
- باصفا، ح. و رحمتی م. ۱۳۹۴: *تحلیل پهنه فرهنگی شهر نیشابور در قرن های اولیه و میانه اسلامی بر اساس منابع مکتوب (مطالعه موردی: شهر بوژگان)*، *جامعه شناسی تاریخی*، ۷(۱): ۲۶۳-۲۷۶.
- تقوی، ع. ۱۳۹۳: *نقش باستان شناسی دوران اسلامی در تحقق اهداف تحول در علوم انسانی، پنجمین کنگره بین المللی علوم انسانی*، ۷-۲۴.
- شراتو، ا. ۱۳۸۴: *هنر سامانی، در هنر سامانی و غزنوی*، نویسندگان *ریچارد اتینگهاوزن، آلسیو بیاچی، امیرتو شرآتو*، تهران: انتشارات مولی.
- عطایی، م. موسوی حاجی، س. ر. کولابادی، ر. ۱۳۹۱: *سفال منقوش گلابه ای (انواع، گستردگی، تاریخگذاری)*، *فصلنامه نگره*، ۷(۲۳): ۷۱-۸۸.
- کیانی، م. ۵۷۱۳۵۷: *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- رضی، ح. ۱۳۷۷: *ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)*، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۶ و ۷*، ۱۳۶-۱۶۶.
- زارعی، م. ا. عامریان، ح. نیک گفتار، ا. ۱۳۹۵: *طبقه بندی گونه سفالینه های لعابدار قرن ۲ تا ۴ ه.ق کشف شده از شهر تاریخی بلقیس (اسفراین کهن)*، *مطالعات باستان شناسی*، ۸(۱): ۵۷-۷۶.
- زمانی محبوب، ح.، رودگر، ق. ع. ۱۳۹۴: *تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره سامانیان*، *مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام*، ۹(۱۶): ۷۷-۱۰۲.
- توحیدی، ف. ۱۳۹۰: *فن و هنر سفالگری، تهران: سمت*.
- قوچانی، ع. ۱۳۶۵: *کتیبه های سفال نیشابور، تهران: سازمان میراث فرهنگی*.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بناحمد، ۱۳۸۹: *حسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- نیک گفتار، ا. و وحدتی ع. ا. ۱۳۹۶: *شواهدی از بازی نرد در سده های سوم و چهارم هجری در شهر بلقیس اسفراین، اثر*، ۹۶-۱۰۳.
- ویلیکینسون، چ. ۱۳۷۹: *بررسی ساختمانهای اوایل اسلام و تزئینات آنها در نیشابور*، ترجمه هادی بکائیان، مشهد: انتشارات مرنديز.
- هیلن براند، ر. ۱۳۸۵: *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر نراقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات روزنه.



- Aanavi D., 1986: Devotional Writing: Pseudoinscriptions in Islamic Art, The Metropolitan Museum of Art Bulletin, xxvi, May 1968, 353-358.
- Barasch, M., 1989: Some Oriental Pseudo-inscriptions in Renaissance Art, Visible Language, 23: 171-187.
- [Blair, S.](#) 1998. Islamic Inscriptions, Edinburgh University Press.
- Bosworth, C. E., 2010: NISHAPUR i. Historical Geography and History to the Beginning of the 20th Century, Iranica, <http://www.iranicaonline.org/articles/nishapur-i>
- Bosworth, C. E., 1996: The New Islamic Dynasties: A chronological and genealogical manual, Edinburgh University Press.
- Bulliet, Richard, 1976: Medieval Nishapur: A Topographic and Demographic Reconstruction, Studia Iranica, Tome5, 68-89.
- Ettinghausen, R. 1976: Kufesque in Byzantine Greece, the Latin West and the Muslim World. In: A Colloquium in Memory of George Carpenter Miles, pp. 28-47. New York: American Numismatic Society.
- Fehervari, Geza, 2000: Ceramics Of The Islamic Word In The Tareq Rajab Museum, I.B Tauris Publishers London.
- Gerstel, S and Lauffenburger, J. 2001: A Lost Art Rediscovered: The Architectural Ceramics of Byzantium. Baltimore, MD: Walters Art Museum.
- Watson, O. 2004: Ceramics from Islamic Lands, Thames & Hudson Ltd, London.
- [Pedone, S. Cantone, V.](#) 2013: The pseudo-kufic ornament and the problem of cross-cultural relationships between Byzantium and Islam, Opuscula historiae atrium, vol. 62, 120-136.
- [Napolitano, E.](#) 2019: Arabic inscriptions and pseudo-inscriptions in Italian art, Otto-Friedrich-Universität Bamberg.
- Martin, M. 2020: Making sense of nonsense: pseudo-script on an Italian Renaissance maiolica dis, | 30 Apr 20
- Vernon, C., 2018: Pseudo-Arabic and the Material Culture of the First Crusade in Norman Italy: The Sanctuary Mosaic at San Nicola in Bari, Open Library of Humanities 4(1), 36. doi: <https://doi.org/10.16995/olh.252>
- Walker, A. (2015). Pseudo-Arabic 'Inscriptions' and the Pilgrim's Path at Hosios Loukas. In A. Eastmond (Ed.), Viewing Inscriptions in the Late Antique and Medieval World (pp. 99-123). Cambridge: Cambridge University Press.
- Wilkinson, Ch. K., 1973: Nishapur: Pottery of The Early Islamic Period, The Metropolitan Museum of Art, New York.
- Wilkinson, Ch. K., 1961: The Glazed Pottery of Nishapur and Samarkand, Metropolitan Museum of Art Bulletin, New ser., vol. 20, No. 3, New York, 102-115